



خبر

رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور در پاسخ به جام جم: دادستان اقدام کند اسناد تخلفات کرونایی دولت قبل را ارائه می‌کنیم



سردار غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور در نشست خبری که صبح روز سه‌شنبه به مناسبت بزرگداشت هفته پدافند غیرعامل برگزار شد، در پاسخ به سوال خبرنگار جام‌جم مبنی براین‌که باتوجه‌به ماموریت سازمان پدافند غیرعامل در حوزه پدافند زیستی و گزارش‌هایی که در این باره منتشر شده، چرا در این سال‌ها شاهد قربانی شدن تعداد بی‌شماری از هموطنان‌مان در جریان گسترش ویروس کرونا در کشور بودیم، اظهار کرد: «ما سال ۹۰ قرارگاه پدافند زیستی را در کشور تشکیل داده و از آغاز سال ۹۸ در جریان موضوع کروناقرار گرفته بودیم.» وی ادامه داد: «در آذر ماه همان سال پیش از این‌که این موضوع در کشور جدی شود، جلسات ویژه‌ای پیرامون آن تشکیل و از مسوولان دولتی برای حضور درجلسات دعوت‌به عمل آوردیم‌که در نهایت برنامه‌های پیشگیرانه لازم را ابلاغ کردیم.» جلالی همچنین گفت: «سازمان پدافند غیرعامل تا اوایل اسفندماه چندین دستورالعمل در حوزه کرونا آماده و به دستگاه‌های مربوط ابلاغ کرده بود، اما چه کنیم که وزارت کشور و بهداشت پیش‌بینی‌های ما را جدی نگرفتند.»

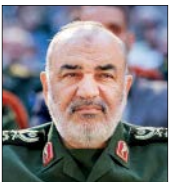
وی تصریح کرد: «به عنوان مثال سازمان پدافند غیرعامل باتوجه به برنامه مرزبانی پدافند زیستی معتقد بود که نباید اجازه دهیم این ویروس به‌راحتی وارد کشور شود، برای همین به سراغ فرودگاه‌ها رفتیم، اما اختیار و قدرت ما در حد ابلاغ باقی ماند و دستگاه‌های اجرایی هم اقدام متناسبی در این حوزه انجام ندادند. به عنوان مثال روزپنجم اسفندماه در جلسه‌ای‌که‌در همین سازمان برگزار کردیم، به موضوع تولید واکسن و توسعه آزمایشگاه‌ها اشاره و تاکید داشتیم که در نهایت پس از پیگیری‌های صورت گرفته از مجموعه رازی، متوجه شدیم هیچ ماموریت یا تکلیفی در این حوزه به آنها داده نشده است، چراکه آقایان معتقد بودند نباید ما در این حوزه پیشقدم باشیم.»

رئیس سازمان پدافند غیرعامل همچنین با بیان این‌که بنده معتقدم کوتاهی‌های زیادی دولت‌گذشته در حوزه پدافند زیستی وپیشگیری از کرونا انجام داده که تمام اسناد و مدارک آن موجود است، گفت: «هرلحظه که دادستان محترم و دستگاه قضایی کشور در این زمینه قصد اقدامی داشته باشد، می‌توانیم اسناد و مدارک زیادی را در اختیارشان قرار دهیم.» جلالی همچنین در بخشی از سخنان خود در این نشست خبری با بیان این‌که در حوزه زیستی دولت دوازدهم دستاوردهای پدافند غیرعامل را نادیده گرفت و در شیوع کرونا شاهد این غفلت بودیم، اظهار کرد: «تمسخر قرنطینه و تصمیمات غیرعلمی، تقدم درمان بر بهداشت ضعف حکمرانی مقابله با کرونا که نه تقسیم کار مناسبی انجام شد، نه تصمیم‌سازی بجایی و نه تصمیم‌گیری درست و به‌موقع، سبب شد تا اقتصاد، اجتماع و فرهنگ، متحمل آسیب‌های فراوانی شوند که جبران آن بسیار سخت و حتی غیرممکن است.»

وی اظهار کرد: «خطای راهبردی دولت‌دوازدهم این بود که استراتژی‌های کلان کشور را به سرنوشت برجرام رزه، ذر، این یعنی وابسته‌سازی تصمیمات کلان به تصمیم دشمن، که منافع ملی جمهوری اسلامی را با خطر مواجه می‌کند.»

جلالی دولت دوازدهم را از منظر پدافند غیرعامل نیز نمونه‌ای عبرت‌آموز دانست و افزود: «تحلیل روی تهدید و کم‌توجهی به آن و توسعه آسیب‌پذیری‌ها، فهم غلط از پدافند غیرعامل و سیاسی‌کردن آن وحذف سیاسی پدافند غیرعامل در شورای‌عالی فضای مجازی و ستاد عالی مقابله باکرونا از جمله خطاهای راهبردی دولت قبل بود که خسارت‌های بسیاری بر جای گذاشت.»

وی ادامه داد: «در حوزه سایبری نیز انکار جنگ و تهدید سایبری و ولنگاری شدید در مدیریت فضای مجازی، سبب شد تا رهبر معظم انقلاب دستورات و هشدارهایی نسبت به ولنگاری در فضای مجازی مطرح کنند که متأسفانه به این دستورات توجهی نشد،»



انتصاب حیدری، داماد زاکانی به‌عنوان مشاور و دستیار ویژه شهردار در حوزه هوشمندسازی، فناوری‌های نوین و نوآوری شهری با حاشیه‌های بسیاری همراه شد

عکس:

تسنیم

سردار سلامی: در حال گسترش وسیع قلمرو قدرت دریایی هستیم

فرمانده کل سپاه گفت: در بعد دریایی نبرد با قدرت‌های بزرگ در حال گسترش بسیار وسیع در قلمرو قدرت دریایی هستیم؛ با توجه به این که عموماً آنها در دریا متمرکز هستند.

به گزارش ایرنا، سردارسرلشکر حسین سلامی دیروز در حاشیه دوازدهمین



انتصاب داماد شهردار تهران به سمت مشاور با واکنش‌های زیادی مواجه شد؛ چرا این اتفاق مهم است و باید نسبت به این انتقادات و مطالبات امیدوار بود؟

خط قرمزهای خدمت در جبهه انقلاب

ترک یک موتور نشسته بودم و بین دو روزنامه‌ای که کار می‌کردم ساندویچ می‌خوردم. آن روزها خیلی سرم شلوغ بود؛ از این مجله به آن مجله و از این روزنامه به آن روزنامه، آنقدری که برای رفت و آمد موتوری می‌گرفتم و همان ساندویچ‌های سرد سرم شده بود ناهار نیمه‌کارگرم، خیلی هم به نظرم یک مرد فعال که فرصت برای غذا خوردن هم نداشته باشد صحنه جذابی است، مثلاً یک خانم با دیدن این‌که مردی که نمی‌رسد یک ساندویچ را بخورد و برود چقدر فکر خانواده‌است و چقدر جان می‌کند و از این حرف‌ها! اما همیشه اتفاقات آن‌طوری که دوست دارید پیش نمی‌روند. مثلاً لحظه‌هایی است که یکی دارد شما را نگاه می‌کند و از قضا می‌شناسد، درست در همان موقع ممکن است وقتی ساندویچ را از دهان‌تان دور می‌کنید نیمه‌ای از یک خیارشور که نصف نشده از ساندویچ سر بخورد و از دهان شما آویزان بماند، در حالی که در همان لحظه درست با کسی چشم در چشم می‌شوید که نباید اصلاً او غیر از لباس رسمی شما را ببیند.

خیلی حال مزخرفی بود و من را پرت کرد اوایل سال دوم دبیرستان؛ همان سال‌هایی‌که ناظم پیر مدرسه، همان آقای ذبیحی مهربان که سال‌های سال است از او بی‌خبرم به من گفت که از وقتی وارد مدرسه شده دیگر هیچ‌وقت توی خیابان ساندویچ دست نگرفته و من آن روز اصلاً نفهمیدم که ساندویچ دست گرفتن مگرچه ایرادی دارد که یک فرهنگی نباید بخورد یا این‌که خیابان چه جایی است و چه شأن ویژه‌ای دارد که نباید توی آن ساندویچ خورد؟

داستان یک انتصاب

احتمالاً این روزها همه شما توی خبرها خوانده‌اید که شهردار تهران دامادش را به‌عنوان مشاور خودش منصوب کرده که صدای خیلی‌ها را بلند کرده است. بعضی‌ها که نشسته بودند تا این خبرها از راه برسند، بعضی‌ها هم می‌دانستند که این دست انتصابات در راه است اما باور نمی‌کردند که به این زودی اتفاق بیفتد، بعضی‌ها هم مات و مبهوت نگاه می‌کنند. اصل خبر که درست است و هیچ‌شکی توی این انتصاب نیست اما قرائت ما می‌تواند زاویه‌نگاه کردن ما به آن را مشخص کند، این‌طور که توی این مسأله کجا قرار بگیریم.

طبیعتاً از دید یک سری افراد که طرفدار یا سمیات آقای شهردار هستند یا خیلی جناحی به اخبار نگاه می‌کنند خبر به این شکل دیده می‌شود: «شهردار تهران یک داماد متخصص داشته است که به او اطمینان داشته و طبق گفته خودش او را به‌عنوان مشاور بدون حقوق و مزایا و رابطه استخدامی آورده و حکمی هم که زده برای این است که بتواند در تشکیلات موثر

جشنواره مالک‌اشتر نیروهای مسلح با بیان این که شاهد رشد و شکوفایی قدرت دفاعی در همه عرصه‌ها هستیم، گفت: نیروی زمینی ما با گسترش در مرزها و برقراری امنیت و ساخت قدرت در عقبه، واقعاً نمایش پرشکوهی از یک نیروی دفاعی در زمین را به تصویر می‌کشاند.

اتفاقاتی که برای فلان مناج افتاده مهم‌ترین آنها فیلم خصوصی است، از تمام اتفاقاتی که در زمان فلان مدیر افتاده ته‌نشینی که در حافظه ما باقی می‌ماند اختلاس یا حقوق یا املاک نجومی است، قتل همسرش است، رابطه فلان وزیر با خانم فلان است، از فلان روحانی تپی‌های کلامی توی ذهن ما می‌ماند، با این اوصاف، ما از شهردار امروز تهران چه چیزی را به عنوان میراث در ذهن خواهیم برد؟

بدون نام، بدون امضا

این بند را گذاشتیم که کمی فضا را عوض کنیم، بعد برگردیم سراغ همان بند قبلی، همان بندی که مشغول دسته‌بندی آدم‌ها بودیم، همان بندی که دو دسته باقیمانده از افراد را کنار گذاشتیم تا نفسی تازه کنیم. می‌خواهم از شما خواهش کنم یک بار دیگر آن بند را بخوانید، آیا ما اسمی از علیرضا زاکانی بردیم؟ آیا اسم نبردن از زاکانی فرقی در اصل ماجرا دارد؟! بیا بید از اینجا شروع کنیم. علیرضا زاکانی، شهردار تهران، داماد خود، حسین حیدری را به عنوان مشاور و دستیار ویژه شهردار در حوزه هوشمندسازی، فناوری‌های نوین و نوآوری شهری منصوب کرد.

فکر کنید کسی که این خبر را می‌خواند روی لبه تیغ قرار دارد.

یعنی مثلاً شوری برای شرکت در انتخابات نداشته و با دیدن

مناظره‌ها و مخالفت جانانه

برخی کاندیداها با انتصابات قوم و خویشی و دفاع جانانه یک جناح از شایسته‌سالاری به خودش گفته اینها با آن قبلی‌ها فرق دارند، یا علی گفته و به میدان آمده، آیا پاسخی برای او دارید وقتی که تمام اسم‌ها را از توی ذهن‌اش پاک می‌کنند؟ به کسی که از روی رفتار شما می‌گویند: «فرقی نمی‌کند چه کسی در راس دولت باشد، هرکسی بیاید برنامه همان است که بود» چه خواهید گفت؟

این دسته از افراد خیلی منتظر ما نمی‌مانند، منتظر شما هم نیستند آقای زاکانی، آنها به امیدی آمده‌اند که کلید واژه تغییر وضعیت کنونی داشت، آنهایی‌که به‌صورت غریزی دنبال اخبار منفی هستند ولی برای شما یک کانال ویژه باز کرده بودند حالا باید بروند و در مقابل دوستان‌شان وقتی می‌گویند: «دیدنی‌گفتم؟!» بعضی سکوت کنند، شاید هم کم‌کم به این فکر کنند که بله، اگر اسم‌ها عوض شده مسلک همان است. آقای زاکانی، اینها دسته‌بعدی مخاطبانی هستند که با این خبر مواجه می‌شوند. برای آنها هم برنامه‌ای دارید؟ آیا فکر کرده‌اید که چطور می‌شود حواشی خبر را یکی‌یکی به گوش همه آنها رساند و همه را یکی‌یکی توجیه کرد که این دسته مهم که طیف خاکستری هستند همین طور لاغر و لاغرتر نشوند؟ یک دسته از افراد هم هستند که کلاً مخالفانند، چه با شما و چه با گروه قبلی و بعدی شما، این‌کارها فقط آنها را در مخالفت خودشان ثابت‌قدم‌تر می‌کند. ما از شما انتظار داشتیم آنها را جذب کنید، اما به نظر می‌رسد باید نگران آدم‌هایی باشیم که دارند دفع می‌شوند.

بزرگ‌ترین جرم!

بعضی کارها وجود دارد که گناه نیستند، شرع و قانون و عرف آنها را تأیید می‌کند، مثلاً شما می‌توانید از یک نفر کمک بگیرید، حالا این یک نفر ذاتاً آدم‌دانا باشد، چه شکلی دارد؟ اما اگر این کمک‌گرفتن از دامادتان به شکلی

فرمانده کل سپاه پاسداران افزود: نیروی هوافضای ما در عرصه فضا، موشک‌ها، پدافند هوایی، پهپادها و جنگال به شکل متوازن و در عین حال شتابداری در حال پیشرفت است که گاهی اوقات مردم عملیاتی این سامانه‌ها را چه در آزمایش‌ها و چه در آزمایش‌ها در میدان مشاهده می‌کنند.

باشد که من را از تمام آدم‌های طیف شما ناامید کند بدون این که حتی در کتاب قانون بندی به آن اشاره کرده باشد در ذهن من جرم است! ناامیدکردن مردم اتفاقاً بزرگ‌ترین جرم است. امید مثل یک بادکنک پر از آبی است که قطره‌قطره پر شده و حالا می‌بینیم که مردم در نظرسنجی‌هایی مثل گالوپ از گذشته امیدوارترند، آیا این سرمایه اجتماعی که سال‌ها برای آن تلاش شده با این سوزن‌ها به باد نمی‌رود؟

ما آن دسته سوم نیستیم آقای شهردار، اما از شما گلایه داریم، چه ضرورتی دارد در زمانی که هیچ نقطه‌ای در مقابل چراغ رسانه‌ها در سایه نیست، در زمانی که می‌دانیم خیلی‌ها دارند شباهت‌های جریان انقلاب را با جریان مقابل لیست می‌کنند، در زمانی‌که همه منتظرند تا تو و امثال تو به نتیجه نرسید این کار را انجام بدهید؟ آیا جز این است که حساب افکار عمومی را نکرده‌اید؟

آیا فکر نمی‌کنید در موقعیتی ایستاده‌ایم که فرصتی برای اشتباه وجود ندارد؟ آدم‌هایی که آمده و گفته‌اند یک بار دیگر اعتماد کنیم چقدر به ما زمان می‌دهند که خودمان را ثابت کنیم؟ چقدر از این زمان برای اثبات تأثیر داماد شما از بین رفته است؟در گذشته شهرداری میحثی به نام پیوست اجتماعی داشت که تأثیرات یک اقدام شهرداری مثل ساخت یک پروژه در روی وضعیت جامعه اندازه‌گیری می‌کرد که خود اندازه‌های همین جامعه بسته به ابعاد پروژه بود. گیریم که این انتصاب شما که به نظر هیچ پیوست اجتماعی ندارد در تهران اثربخش باشد و اعتماد مردم تهران را برگرداند، آیا امیدی که از مردم شهرستان‌ها با دیدن یک کاندیدایی انقلابی عدالتخواه و ضد فساد در حال استفاده از بستگانش به فترا رفته هم تحول برمی‌گردد؟ بدون شک این اتفاق نخواهد افتاد که علت آن را پیش از این توضیح دادیم.

تو فقط شهردار تهران نیستی

این را همه می‌دانیم که بسته به شرایط، اوضاع و احوال ممکن است تنبأی‌کی که تا دیروز مصرف می‌کردیم حرام شود. اما بعضی اوقات هم ما باید یک قدم از حد یقف قانون عقب‌تر بایستیم. مثلاً تصور کنید یک برند محصولات غذایی مربوط به شرکت‌هایی باشد که اصلاتی صهیونیستی دارند. آیا تکلیف من و شما این است صرف این‌که در بازار اسلامی عرضه می‌شود، اکتفا کنیم؟ مثلاً استفاده از فلان برند فقط صرف این‌که مجوز واردات گرفته برای ما حجت دارد؟ حالا ما که مصرف نمی‌کنیم، سوال اینجاست آیا برای دیگران هم حرام است؟ بدون شک این‌طور نیست. ما اگر استفاده کنیم هم هیچ‌کسی نیست که به ما خرده بگیرد، البته به جز خودمان، چون می‌دانیم این اسکناس‌ها کجا تبدیل به گلوله می‌شود. آیا شما نمی‌دانید که احکام شما چه حکمی برای دیگران دارد؟

اجازه بدهید به ابتدای ماجرا برگردیم، به آن ساندویچی که ناظم مدرسه نخورد و من خوردم آن روز نفهمیدم ناظم ما برای یک معلم شآن قائل شده بود، نه برای خیابان. آقای ذبیحی مهربان داشت به من یاد می‌داد هر آدمی برای خودش نماینده یک طیف است و اگر به خودش آسیب بزند به تمام آن طیف آسیب زده است.

آقای زاکانی، تو فقط شهردار تهران نیستی. تو شهردار انقلابی تهران هستی. حاصل یک سرمایه اجتماعی که مردم هشت سال برای کسب آن خون دل خوردند. تو و اقداماتی که در شهرداری انجام می‌دهی مثل تابلوی بورس است که چشم‌های پرامید زیادی را به سمت خودش می‌کشد. بعضی کارها این تابلو را سبز، چشم‌ها را روشن می‌کند و امید پررنگ‌تر می‌شود، اما صد روز سبز، هیچ‌وقت به اندازه یک روز قرمز، آدم‌ها را ناامید نمی‌کند. شما تمام سرمایه آدم‌هایی هستید که هنوز فکر می‌کنند راه‌حلی وجود دارد. شما اجازه ندارید بدون در نظر گرفتن سرمایه سرمایه‌گذاران‌تان که همان امیدشان است کاری بکنید، این شان شهردار و شهرداری نیست، شان امید مردم است.



اولین مطالبه‌گر همین نیروهای انقلابی هستند و درست هم این است که نقد را تنها به همین وسیله می‌توان از تخریب جدا کرد.



و آن نماینده مجلس و آن مدیر بانک و آن رئیس‌جمهور اگر ۱۰سال قبل این کارها را انجام می‌دادند، یک دوقطبی تشکیل می‌شد که له و علیه یک مسؤول نظام بود، اما امروز

سامانه هوشمندی که زاکانی رونمایی کرد

امروز به این فکر می‌کردم این گزینه، یعنی داماد زاکانی بهترین شخص برای مشاوره در زمینه هوشمندسازی بود و عملاً -خواسته یا ناخواسته- از سامانه‌ای هوشمند رونمایی کرد، اما نه در شهرداری تهران.

سامانه‌ای که حالا دیگر نگران داشته‌هایی است که قدر آنها را می‌داند، سامانه‌ای که نسبت به اشتباهات مدیران واکنش نشان می‌دهد. از قضا انقلابی هم هست و نسبت به تمام آنها که روی خط قرمز جامعه یعنی اعتماد می‌روند واکنش نشان می‌دهد، حالا مسأله این سامانه هوشمند و خودجوش یک بار تشریفات سلطنتی بانک ملی است، یک بار استخدام سفارشی دختر نماینده مجلس در وزارت نفت و یک بار هم خالی کردن خزانه به روایت رئیس‌جمهور قبلی. مهم این است حالا آنها مطالبه‌گر هستند که ارزش آنچه مطالبه می‌کنند را بهتر از دیگران می‌دانند، شاید این شهردار